

## هیچ کس از او فراتر نرفت

گفت وگو با دکتر خسرو شاکری - فرشاد قربانپور

دکتر خسرو شاکری استاد بازنشسته تاریخ از مؤسسه تحقیقات عالی علوم اجتماعی، پاریس است و پیش از این نیز کتابهایی از جمله پیشینه های اجتماعی و اقتصادی جنبش مشروطیت، میلاد زخم پیرامون تاریخ نهضت جنگل، نامه های مصطفی شجاعیان و... از او به چاپ رسیده است. او که تاریخ پژوهی را تاکنون متوقف نکرده است اکنون در گفت و گو با شهروند امروز به بیان برخی از ویژگی های تاریخنگاری فریدون آدمیت پرداخته است.

### - دکتر فریدون آدمیت را در مقام يك مورخ چگونه ارزیابی می کنید و ویژگی تاریخ نگاری آدمیت را چه می دانید؟

آدمیت نخستین مورخ دوران معاصر ایران است که با شیوه های مدرن تاریخنگاری به تاریخ انقلاب مشروطیت پرداخت. پیش از او کسان دیگری نیز به این تاریخ پرداخته بودند، از جمله احمد کسروی که به بازسازی رویدادهای مشروطیت پرداخته بود، کم و بیش در همان مایه ای که ادوارد براون (Edward Browne) انجام داده بود. تفاوت کار کسروی با کار براون این بود که وی، با استفاده از اسناد بیشتری، جزئیات مهمتر و دقیقتری را در بازسازی آن تاریخ مورد استفاده قرار داد. وی از منابع زیادی، از جمله به زبان های روسی و ارمنی، استفاده کرد. با اینکه از نظر محتوا کمترین خرده ای می توان به گرفت، اشکال تاریخنگاری او این است که نمی توان منابع وی را مورد بررسی قرارداد یا کیش (check) کرد. جای تأسف است که او منابع خود را به دقت برای استفاده ی اعقاب حرفه ای خود به دست نداده است. همین جا باید افزود که در دوران رضا خان، که مشروطیت جز در نام تعطیل شده بود، امکان نگارش تاریخ مشروطیت وجود نداشت. از همین رو، وی انتشار آن کتاب را در نخستین دهه ی سده ی چهاردهم خورشیدی طی یک سلسله مقالات در مجله ی روشنگران عرب (العربان) آغازید، که در دمشق منتشر می شد، البته او بعد ها توانست در اواخر زمان رضا شاه برخی تکه های آن را در ایران در مجله ی پیمان منتشر سازد. این اشاره را به کسروی ازین نظر می کنم که تأکید ورزم که آدمیت برآستی نخستین مورخ معاصر ایران است که به سبک مدرن به کار تاریخ پرداخته است. البته بوده اند دیگر کسانی که همزمان یا پس از آدمیت کارهایی را در مورد مشروطیت (غالباً اسناد و به نحوی پراکنده و غیر سیستماتیک) منتشر ساخته اند، اما کار های آنان، که بر خی اوقات با اهداف سیاسی رسمی صورت می گرفت، با کارهای آدمیت قابل مقایسه نیستند. آثار آدمیت نشانه از یک نظم فکری، شیوه ی علمی، و دقت و سنجش حرفه ای برخوردار است. آدمیت نخستین ایرانی ای است که تاریخنگاری و تاریخشناسی را با آموزش حرفه ای آموخت، و نه "الله بختکی" چون بسیاری که نام مورخ گرفته اند. در عین حال، او تنها مورخ عصر خود است که از ارثیه تاریخنگاری مورخانی پروسواس چون بیهقی بی بهره نمانده است. او تداوم تاریخنگاری علمی سنتی و پیوند آن با تاریخنگاری مدرن است. این همه به این معنا نیست که نمی توان بر او خرده گرفت یا انتقاد کرد. هیچ مورخی کاری کامل و بی نقص تحویل نمی دهد، بیشتر ازین رو که در امکانات کامل به روی او بسته است. همچون دیگر رشته های علمی و فنی، در تاریخ هم باید با پژوهش های تازه و نوآوری های متدیک کار پیشینیان را فراتر برد، «تکمیل» کرد، یا به عبارت درست تر، ترفیع بخشید. [1] اما کم نبوده اند کسانی که به نام تاریخنگاری با دستچین کردن فاکت هایی از تاریخ و لایه زدن مطالب و مواضع ایدئولوژیک خود «تاریخ» نوشته اند. به نظر من، این خرده یا آن ایراد به آدمیت نقد جدی بر کارهای او نیست. کسی می تواند آدمیت نقد کند که در تحقیق و دستیابی به منابع تاریخ مشروطیت و تحلیل علمی و اشیراف به نو آوری های شیوه ای (متدیک) از او فراتر رفته، او را دیپاسه کرده، باشد. من چنین کسی را نمی شناسم، حتی در میان ایرانیان یا انیرانیان که در خارج از ایران به مشروطیت پرداخته اند. آدمیت تنها کسی است که زندگی خود را وقف تاریخنگاری مشروطیت کرده است؛ حتی می شود گفت که شغل دیپلماتیک او کمتر برای او اهمیت داشته است تا تعهدش به تاریخ مشروطیت، اگرچه می توان مطمئن بود که وی، چون یک فرد با وجدان، در انجام امور شغل خویش هم احساس مسؤولیت کرده است.

### - چرا تاکنون کمتر نقدی جدی به آثار آدمیت وارد شده است؟

--- فکر می کنم پاسخ این پرسش را داده باشم، ولی تکرار آن بی ضرر است: کسی تا کنون نتوانسته است در پژوهش و تحلیل مشروطیت از او فراتر رود. هنوز کسی پیدا نشده است که همانند او یک عمر را مصروف کار تاریخ مشروطیت کرده باشد. این نکته را که درجایی دیگر گفته ام تکرار می کنم که شناخت مشروطیت نیاز به یک تیم متخصص تاریخ (به معنای مارکسی آن، چند رشته ای) دارد، که با بی نظری و بی طرفی همه ی اسناد و مدارک را جمع آوری کنند و به بازسازی و تحلیل مشروطیت بپردازند. در غرب این امر کار یک مؤسسه است، که ما در ایران نداشته ایم.

## - آدمیت در بسیاری از آثارش تنها عامل قطعی عقب ماندگی در ایران را استبداد دیوانیان و ظلم آنان می داند. نظر شما در این باره چیست؟

--- اگر نظر آدمیت برآستی این بوده باشد - البته این خود یک دریافت از نوشته های اوست - نمی توان آن را نظر دقیقی دانست، چه در تاریخ نمی توان هیچ عاملی را «قطعی» تعیین کرد. هنوز مورخان غربی دست اندر کار تعیین عوامل پدید آمدن سرمایه درای در اروپا هستند و به نتیجه ای نرسیده اند. آیا می توان گفت این یا آن عامل در پدید آوردن انقلاب فرانسه یا انقلاب فوری و انقلاب (یا کودتای) اکتبر در روسیه بیشتر مؤثر بودند؟ هرکسی می تواند در این یا آن مورد با تکیه به پژوهش حدسی متغیر (speculation) بزند، اما متأسفانه تاریخ با ریاضیات یا فیزیک قابل مقایسه نیست که به دقت علمی بتوان وزن مخصوص هر عاملی را تعیین کرد. آیا می توان گفت که بردن یک شطرنج باز از رقیبش به علت این یا آن حرکت است؟ چون حرکت های بیشمار در شطرنج و ترکیبات آن هست حرکت قطعی ای که پیروزی یک رقیب را بر دیگری میسر می سازد نمی توان تعیین کرد. در تاریخ عوامل به مراتب بیشتر از مهره های شطرنج هستند. آیا یک پیاده نمی تواند گاه از یک وزیر مؤثرترافت؟

## - به نظر شما، کدام اثر آدمیت مهم تر است؟

--- از دید من، همه ی آثار او حائز اهمیت هستند، چون وی با یک برنامه ی فکری منظم به این کارها پرداخته است، و آن ها را نمی توان از یکدیگر جداساخت، حتی امیرکبیر او که، به نظر من، در آمدی است برای شناخت او از فرآیند کوشش برای نوسازی ایران. برعکس، می توانم بگویم که کدام اثر او اهمیت دیگر آثار او را ندارد: فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران. این اثر متکی به پژوهش گسترده نیست و، لذا، تصویری که از سوسیال دموکراسی به دست می دهد و نتیجه گیری های آن ناقص اند. شاید علت این امر عدم دسترسی وی به منابعی بوده باشد که در آن زمان شناخته نبودند. بخاطر دارم که پس از انقلاب، هنگامی که پس از سال ها تبعید به ایران باز گشتم و مشتاقانه به دین او رفتم، او دیدن مجموعه ای از اسناد سوسیال دموکراسی را که به فرانسوی بر اساس آرشیوهای غربی و روسی منتشر کرده بودم خوشنود شد و گفت آن را با علاقه خواهد خواند.

## - آدمیت در آثارش به چه مسئله ای به شکل بارز توجه داشت؟

--- برخلاف کسروی که به باز سازی جریان رویداد های مشروطیت پرداخته است، دلمشغولی اصلی آدمیت پیدایش و انکشاف اندیشه دموکراسی و آزادی در ایران است. [۲] آخرین اثر او در باره ی مجلس اول تقنینیه از طرح نخست او فراتر می رود، اما، به نظر من، موفقیت آن کمتر از کارهای پیشین اوست، شاید بخاطر اینکه دسترسی لازم را به همه ی اسناد نداشته است. از دید من، این کمبود تنها دلیل عدم موفقیت کامل این کتاب نیست، چون او یک دید نخبگانی (Elitist) از جنبش اجتماعی دارد و به جنبش توده ای که تکیه گاه اصلی نخبگان است توجه لازم را ندارد. آن بخش ازین اثر (بخش پنجم) که طی آن به انجمن های انقلابی می پردازد و آن ها را «افراطی» می خواند ازین دید نخبگانی او سرچشمه می گیرد. موفقیت مشروطیت را در مبارزه با محمد علی شاه نمی توان بدون انجمن های انقلابی، بویژه انجمن تبریز، و مقاومتی که دو انجمن تبریز و رشت با کمک یاران انقلابی قفقازی به راه انداختند، متصور بود. در این مورد به تفصیل در کتابم در مورد سوسیال دموکراسی نوشته ام و در اینجا تکرار نمی کنم [۳]

## - شما چه انتقادی به تاریخ نویسی و آثار آدمیت وارد می کنید؟

--- ایرادی که می توانم به آدمیت یا هر تاریخنگاری و تاریخشناسی دارم این است که در حد مطلوب (یا ایده آل) نمی تواند خود را از همه ی پیشداوری ها در انتخاب منابع و ارزیابی آن ها، و تشخیص و تحلیل ارتباط داده ها و تعیین وزن مخصوص آن ها رها سازد. البته در میان ایرانیان معاصر آدمیت، به خاطر وجدان حرفه ای اش از نادر کسانی است که در این کار به موفقیتی نسبی دست می یابد. از دید من او یک تاریخنگار و تاریخشناس استثنائی در ایران معاصر است و کمتر کسی می تواند در زمینه ی کار او با وی همتراز شود.

[۱] ایده ی هگلی : (Aufhebung, Dépassement, Sublating).

[۱] نباید فراموش کرد باقر مؤمنی هم در زمینه ی معرفی متفکرانی که اندیشه ی آزادی، دموکراسی و مدرنیته را در ایران مطرح ساختند کارهای باارزشی کرده است.

[۲] خسرو شاکری، پیشینه های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عهد، تهران (اختران) ۱۳۸۴.